

مجلس، ششم

جلوه‌های رعایت حق الناس در نهضت عاشورا

حجت الاسلام والمسلمین احمد دهقان*

درآمد

اساس زندگی سالم و سعادت دنیا و آخرت، در گرو شناخت و رعایت حقوق دیگران یا حق الناس است. این امر، به قدری مهم است که برخی روایات آن را از حق الله نیز مهم‌تر دانسته‌اند؛ چه اینکه حق الناس، حق الله هم هست؛ ولی حق الله، حق الناس نیست؛ هرکس حق الله را ضایع کند، طرف حسابش فقط خداست و دیگر به کسی بدهکار نیست؛ اما اگر کاری کند که حق مردم ضایع شود، علاوه بر مردم، باید پاسخگوی خداوند نیز باشد.

در این مقاله، می‌کوشیم ضمن اشاره به مفهوم حق الناس و اهمیت آن، به اقسام این حق اشاره کنیم و در ادامه به بررسی روش‌های جبران حق الناس بپردازیم و در جای‌جای بحث، گوشه‌هایی از سیره امام حسین علیه السلام را نیز در این باره یادآور شویم.

* پژوهشگر حوزه علمیه قم.

معناشناسی حقّ الناس

حقّ، اسم مصدر است و جمع آن، حقوق می‌باشد. در لغت، معانی مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: عدل، ضد باطل،^۱ راستی، ثابت، مال، ملک، نصیب و بهره معین از چیزی برای کسی.^۲ بنابراین، واژه «حق» معنا و مفهوم گسترده‌ای دارد؛ ولی در اصطلاح فقهی، حق، یعنی تسلط انسان بر مال و عین خارجی و یا امتیاز انتفاع و بهره‌برداری از منافع یک شیء.^۳

حقّ الناس، اصطلاحی فقهی است که در ابواب گوناگون فقهی مطرح است. این تعبیر، از نظر ترکیبی، اضافه حق به ذی حق است و در لغت به معنای «حق مردم» می‌باشد و در برابر حقّ الله قرار دارد. حقّ الناس، در واقع، حقوقی است که آحاد جامعه در برابر یکدیگر دارند و از نظر شرعی و عرفی، ملزم به رعایت آنها هستند.

اهمیت حقّ الناس

قرآن کریم، رعایت حقّ الناس را در ضمن آیات فراوانی توصیه نموده است؛ مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»^۴؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل [و از طرق نامشروع] نخورید؛ مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.»

این آیه در واقع، زیربنای قوانین اسلامی را در مسائل مربوط به «معاملات و مبادلات مالی» بیان می‌کند و به همین دلیل، فقها در تمام ابواب معاملات، به این آیه استدلال می‌کنند. آیه مذکور خطاب به افراد باایمان می‌گوید: «اموال

۱. احمدبن فارس، معجم مقاییس اللّغة، ماده «حق».

۲. احمد سیاح، فرهنگ جامع نوین، ج ۱، ص ۳۲۱.

۳. نساء، آیه ۲۹.

یکدیگر را از راه باطل نخورید»؛ یعنی هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد، ممنوع شناخته شده و همه را تحت عنوان «باطل» که مفهوم وسیعی دارد، قرار داده است. می‌دانیم «باطل»، در مقابل «حق» است و هر چیزی را که ناحق و بی‌پایه باشد، در برمی‌گیرد.^۱ در آیه دیگر می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدّت‌داری [به دلیل وام یا دادوستد] به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید.»

این آیه، طولانی‌ترین آیه قرآن کریم است که درباره حق‌الناس می‌باشد و در آن برخی نکات مهم، مانند: کتابت، اقامه شهود و وجود گواهان برای قرض‌الحسنه آمده است. برخی سوره‌های قرآن همچون: مطففین، حجرات و همزه نیز به موضوع و مباحث مربوط به حق‌الناس اشاره کرده‌اند.

تأکید اسلام بر رعایت حق‌الناس، به گونه‌ای است که اگر حقوق مردم را ضایع کرده باشد، توبه‌اش پذیرفته نخواهد شد؛ یعنی ممکن است خداوند حق خود را در صورت پشیمانی فرد مسلمان ببخشد؛ اما حق مردم را در هیچ شرایطی نمی‌بخشد؛ زیرا حق‌الناس، مربوط به بنده است. از این رو، در حدیث آمده است که با اولین قطره خون شهید، همه گناهانش بخشیده می‌شود؛ غیر از حقوق مردم و این، نشان‌دهنده اهمیت رعایت حق دیگران است و حتی شهادت که بالاترین فضیلت است نیز نمی‌تواند پاک‌کننده این گناه باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ»^۳ خداوند به چیزی بافضیلت‌تر از ادای حق مؤمن، پرستیده نشده است.»

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵۶.

۲. بقره، آیه ۲۸۲.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۴۲.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «كُلُّ ذَنْبٍ يُكْفَرُهُ الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا الدَّيْنَ لَا كَفَّارَةَ لَهُ إِلَّا آدَاؤُهُ أَوْ يَقْضِي صَاحِبُهُ أَوْ يَعْمُو الَّذِي لَهُ الْحَقُّ»^۱ شهادت در راه خدا، کفاره هر گناهی است؛ مگر بدهکاری مالی که کفاره آن، ادای آن یا پرداختش به وسیله آشنا و همراه او یا بخشش طلبکار است. «همچنین، حضرت فرمود: «أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الشَّهِيدِ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ إِلَّا الدَّيْنَ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ قَضَاؤُهُ»^۲ اولین قطره خون شهید، کفاره گناهان اوست؛ مگر مسئله بدهکاری که کفاره‌اش، ادای آن است.»

مردی از انصار فوت کرد؛ درحالی که دو دینار بدهکار بود. نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر او نماز نخواند؛ تا اینکه بعضی از اقوامش ضامن ادای دین او شدند. آن‌گاه حضرت بر او نماز خواند.^۳

ابوثمامه، یکی از شیعیان حضرت جواد علیه السلام است. به آن جناب عرضه داشت: می‌خواهم معتکف مکه و مدینه شوم؛ ولی بدهکارم. حضرت فرمود: به منطقه خود برگرد تا بدهی خود را پردازی. سعی کن خدا را با قرض داشتن ملاقات نکنی که مؤمن، خیانت نمی‌کند.^۴

امام حسین علیه السلام در نکوهش لشکر کوفیان فرمود: «مُلِئْتُ بِطُؤْنِهِمْ مِنَ الْحَرَامِ»^۵ شکم‌هایشان، از حرام پر شده است. «بدیهی است که یکی از مصادیق حرام، ضایع کردن حقوق مردم است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۹۴.

۲. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۸۳.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۹۳.

۴. همان، ص ۹۴.

۵. همان، ج ۶۵، ص ۱۵۴.

اقسام حق‌الناس

حق‌الناس را می‌توان به دو نوع «معنوی» و «مادی» تقسیم نمود.

۱. حق معنوی

معمولاً مردم تصور می‌کنند که حق‌الناس، صرفاً به اموال و حقوق مادی اختصاص دارد؛ اما باید توجه داشت که حق‌الناس، اعم از حق مادی بوده، شامل حقوق اخلاقی و معنوی نیز می‌شود؛ مانند محترم‌شمردن جان و مال و ناموس مردم و یا پرهیز از بی‌عدالتی در گفتار و کردار. بنابراین، احترام به آبروی مردم نیز از جمله حقوق معنوی انسان‌هاست؛ یعنی به گونه‌ای رفتار کنیم که دیگران از دست و زبان ما در امان باشند؛ به بیان دیگر، باید از هر کاری مانند: غیبت، تهمت و دروغ بستن به دیگران که باعث هتک حرمت دیگران می‌شود، پرهیز نمود.

۲. حق مادی

حق‌الناس مادی را می‌توان به ابعاد مختلف تقسیم کرد؛ ولی از یک نگاه، حق‌الناس یا شخصی است و یا عمومی. حق‌الناس عمومی، به آحاد جامعه تعلق دارد که از آن به «بیت‌المال» تعبیر می‌شود. اگرچه رعایت حقوق شخصی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اما اهمیت بیت‌المال دوچندان است؛ چون صاحبان بیت‌المال ممکن است میلیون‌ها و یا میلیاردها انسان باشد. به همین جهت، کسی که بیت‌المال را ضایع نماید، در واقع، باید پاسخگوی بسیاری از مردم باشد که جبران آن نیز امکان ندارد. علی علیه السلام در نهج البلاغه بارها بر اهمیت و رعایت بیت‌المال تأکید نموده است؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَوْ

وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِنَّ النَّسَاءَ وَمَلَكَ بِهِنَّ الْإِمَاءَ لَرَدَّتُهُ؛^۱ به خدا سوگند! بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم، به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم؛ هرچند با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند.»

با وجود اهمیت حقّ الناس، اما بسیاری از موارد و مصادیق حقّ الناس وجود دارد که برخی دانسته و یا ندانسته آن را رعایت نمی‌کنند؛ برخی از آن موارد، به شرح ذیل است:

- ایجاد ترافیک، بدون هیچ‌گونه دلیل قانع‌کننده؛

- بوق‌زدن‌های مکرر ماشین‌ها، به‌خصوص ماشین‌های حامل عروس و داماد و یا صدای بلندگوهای بارفروش‌ها، به‌ویژه هنگام استراحت مردم و یا سروصدای بیش از حد و آزاردهنده افراد و اعضای خانواده و یا صدای بلند و گوش‌خراش تلویزیون و یا ضبط صوت منازل، حتی صدای بلندگوی مساجد، حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی در موارد غیرضروری؛ به‌طوری‌که موجب اذیت و آزار همسایگان گردد؛

- پارک‌نمودن ماشین جلوی درب منازل مردم که مانع رفت‌وآمد آنان گردد؛

- عرضه مواد غذایی به مصرف‌کننده که تاریخ مصرف آن گذشته باشد. متأسفانه امروزه، کم‌وبیش افراد سودجو، حتی به قیمت جان مردم، در پی مال‌اندوزی و کسب ثروت بیشترند و مواد غذایی ناسالم را میان مردم توزیع می‌کنند.

تقدم حقّ الناس بر حقّ الله

شاید در ابتدا تصور شود که حقّ الله بر حقّ الناس مقدم باشد؛ زیرا حقّ

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۱۶؛ صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۱۵، ص ۲۳.

خداوند که خالق انسان و هستی است، اهمیتی دوچندان دارد؛ ولی در روایات، حق‌الناس بر حق‌الله مقدم شمرده شده است. علی علیه السلام فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّياً إِلَى الْاِنْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ»^۱ خداوند حقوق بندگانش را مقدم بر حقوق خود قرار داده و کسی که حقوق بندگانش را رعایت کند، حقوق الهی را نیز رعایت خواهد کرد.»

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «لَهُمْ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِحَيْرٍ»^۲ مردم اگر حقوق و واجبات مالی خود را ادا می‌کردند، مسلماً همگی از زندگی مطلوب و رضایت‌بخشی برخوردار می‌شدند.»

- قطع نماز برای پرداخت قرض:

اسلام نسبت به رعایت حقوق مردم توصیه فراوانی دارد؛ به گونه‌ای که اگر در اثنای نماز، کسی حق خویش را از نمازگزار مطالبه نماید و برای پرداخت آن، راهی جز قطع نماز نباشد، باید نماز خود را رها سازد^۳ و حق صاحب حق را پرداخت کند.

بر این اساس، از نگاه اندیشه دینی، حق‌الناس بسیار مهم است؛ به طوری که در صورت تعارض بین حق‌الناس و حق‌الهی، حق‌الناس مقدم می‌باشد.

بایستگی پرداخت حق‌الناس

تنها چیزی که آدمی را از حق‌الناس رها می‌سازد، پرداخت آن به صاحب حق است و هیچ راه دیگری، حتی شهادت در راه خدا نیز نمی‌تواند آن را جبران

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر المحکم و درر الکلم، ص ۴۸۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۷.

۳. البته مشروط بر آنکه نماز در آخرین وقت خود انجام نشود.

کند. شخصی به نام «عمیر انصاری» می‌گوید در کربلا امام حسین علیه السلام به من فرمود: «نَادِيَ فِي النَّاسِ الْأَيُّ قَاتِلَنِّي مَعِيَ رَجُلٌ عَلَيْهِ دَيْنٌ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ رَجُلٍ يَمُوتُ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ لَا يَدْعُ لَهُ وَفَاءَ إِلَّا دَخَلَ النَّارُ؛^۱ به مردمی که برای یاری من آماده شده‌اند، بگو: کسی که به مردم بدهکار است و حقّ الناس به ذمه دارد و برای پرداخت آن چاره‌ای نیندیشیده، اگر کشته شود، اهل دوزخ خواهد بود.»

همچنین، در روایتی دیگر، موسی بن عمیر از پدرش نقل می‌کند: «أَمَرَ الْحُسَيْنَ مُنَادِيًا فَنَادَى: لَا يَقْبَلُ مَعَنَا رَجُلٌ عَلَيْهِ دَيْنٌ. فَقَالَ رَجُلٌ: إِنَّ امْرَأَتِي ضَمِنَتْ دَيْنِي، فَقَالَ: الْحُسَيْنُ علیه السلام: وَمَا ضِمَانُ امْرَأَةٍ؟^۲ امام حسین علیه السلام به منادی فرمان داد تا ندا دهد: «کسی که بدهکار است، پذیرفته نیست که در این سفر با ما باشد.» شخصی از میان یاران امام اظهار داشت: «همسر من پرداخت بدهی مرا برعهده گرفته است.» امام فرمود: «ضمانت زن، [از نظر فقهی] مورد پذیرش نیست.»

- دفن بدن شهدا در زمین مباح:

از نگاه آموزه‌های دینی، رعایت حقّ الناس اختصاص به زمان حیات و زندگی دنیوی ندارد؛ بلکه بعد از مردن انسان نیز باید رعایت گردد؛ از جمله اینکه نباید بدن شخص مُرده در زمین غیرغصبی دفن شود. به همین دلیل، امام حسین علیه السلام در روز سوم محرم، بخشی از زمین کربلا را که قبر شریف آن حضرت و شهدا در آن واقع شده، از اهل نینوا و غاصریه به‌ازای شصت‌هزار درهم خریداری نمود.^۳ هدف امام از این کار، دو چیز بوده است: اول اینکه بدن

۱. گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۶۸.

۲. همان، ص ۷۹۵.

۳. محمدجواد طبسی، باکاروان حسینی، ج ۴، ص ۳۱.

مطهرشان در زمین غصبی دفن نگردد. دوم آنکه سرزمین خریده‌شده را به خود آنان بخشید و با آنها شرط کرد که بعد از شهادت آن حضرت و یارانش، مردم را برای زیارت قبرش راهنمایی نموده و زوّار حضرت را تا سه روز مهمانی و پذیرایی نمایند و در قبال این شرط، زمین را دو مرتبه پس از پرداخت پولش، به آنها واگذار کرد.

شاید مهم‌ترین دلیل این کار، آن بوده که امام حسین علیه السلام می‌خواست بدن مطهر او و بقیه شهیدان، در زمین غصبی دفن نگردد و این، به روشنی حکایت از اهمیت حق‌الناس دارد.

روش‌های جبران حق‌الناس

حال این پرسش اساسی مطرح است که چگونه و با چه روشی حق‌الناس را جبران نماییم؟ در پاسخ به این سؤال، به طور کلی می‌توان روش‌های ذیل را مطرح کرد:

۱. حالیت طلبیدن

در گناهان مربوط به حق‌الناس، مانند: دزدی، رباخواری، غیبت، تهمت، زخم زبان و آبروریزی، علاوه بر استغفار و توبه، باید از مردم نیز حالیت طلبید و حقوق آنها را جبران کرد و توجه داشت که حتی شهادت در راه خدا نیز این‌گونه گناهان را پاک نمی‌کند.^۱

- حالیت به جهت خراش کتاب:

یکی از شخصیت‌ها می‌گوید: شبی در مجلس فرزند بزرگوار محدث قمی بودم. ایشان می‌فرمود: روزی که پدرم از دنیا رفت و او را در کنار مرقد مطهر امیر

۱. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۷، ص ۲۴۸-۲۴۹.

مؤمنان علیهم السلام دفن کردیم، شب آن روز برادرم پدر را در خواب دید که فرمود: یک جلد از کتاب بحار الأنوار علامه مجلسی متعلق به فلان عالم پیش من امانت بود؛ آن را به صاحبش نداده‌ام؛ هرچه سریع‌تر آن را به مالکش بدهید. صبح آن شب، درحالی‌که کتاب را برای تحویل به صاحبش می‌بردیم، کنار درب خانه از دست ما روی زمین افتاد، آن را برداشته و گردوغبار از روی جلدش زدودیم و سپس به صاحبش برگرداندیم. شب آن روز، پدر بزرگوارمان در عالم خواب به ما فرمود: امروز بحار الأنوار از دست شما افتاد و بر جلد آن خراش وارد شد. روزی که من آن را به امانت گرفتم، جلد آن سالم بود. مسئله خراش روی جلد را حتماً از صاحب آن حلالیت بطلبید.^۱

۲. عجله در جبران حق الناس

از دیگر روش‌های جبران حقوق مردم، عجله‌کردن و تأخیر نینداختن در ادای آن است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَطْلُ الْمُسْلِمِ الْمُسِيرِ ظُلْمٌ لِلْمُسْلِمِ؛^۲ مسامحه و امروز و فردا کردن کسی که توانایی بر پرداخت بدهی دارد، ستم به مسلمانان است.» از این رو، اگر در جبران حق الناس تأخیر نماید، دچار عذاب می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که حق مؤمنی را حبس کند، خداوند وی را در قیامت پانصد سال سر پا نگاه می‌دارد؛ در حدی‌ی که از رگ‌هایش خون بریزد. سپس، یک منادی از جانب حق ندا کند: این، ستمگری است که حق مؤمن را حبس کرده. آن‌گاه به مدت چهل روز او را توبیخ کنند و سپس به سوی آتش ببرند.^۳

- مؤاخذه برای يك قلم:

شخصیت بزرگوار، مرحوم حاج شیخ محمود یاسری، می‌فرمود: در محله ما

۱. پایگاه اینترنتی عرفان، نشانی: www.Erfan.ir

۲. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۱۲.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۷.

مردی زندگی می‌کرد که به حسنات اخلاقی آراسته بود و دارای زندگی سالم و بانشاطی بود؛ تنها چیزی که او را رنج می‌داد، نداشتن اولاد بود. سال‌ها به پیشگاه مقدس حضرت حق ناله کرد تا خداوند مهربان پسری به او عنایت کرد. از این نعمت، بسیار دلشاد شد. این پسر برای خانواده همچون چراغ روشنی بود که پدر و مادر در کنارش فوق‌العاده در خوشحالی بودند؛ ولی تقدیر آن طفل را به آستانه مریضی کشید و اطبای زمان از علاجه عاجز شدند. کودک در سن بین یازده و دوازده [سالگی] از دنیا رفت و او را در ابن بابویه نزدیک مرقد شیخ صدوق دفن کردند.

پدر بر اثر شدت علاقه به فرزند، یکی از قاریان قرآن را برای قرآن خواندن جهت شادی روح طفل اجیر کرد. پدر هر روز کنار مرقد فرزند می‌رفت و ساعتی را بر سر خاک طفل می‌گریست و سپس برمی‌گشت. یک روز وقتی به سر قبر فرزند رفت، قاری قرآن به او گفت: شب گذشته فرزندت را به خواب دیدم. گفت: «به پدرم بگو: در مدرسه یک خودنویس از یکی از بچه‌ها گرفتم؛ نه آن را به او دادم و نه پولش را. اکنون به جهت آن قلم مورد مؤاخذه‌ام. مرا نجات بده.»

پدر از شنیدن این خواب فوق‌العاده ناراحت شد و به‌سرعت به تهران آمد و به مدرسه کودک رفت و از مدیر مدرسه تقاضا کرد طفلی را که با فرزندش دوست بوده و خودنویس به کودکش داده، معرفی کند. پدر صاحب قلم را خواست و از حق آن قلم، کودک خویش را پاک کرد تا در آخرت از مؤاخذه راحت شود.^۱

۳. برگرداندن اموال

اگر کسی حقوق مالی بر ذمه خویش دارد، باید آن را به طور کامل پرداخت

نماید. علی بن ابی حمزه، از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌گوید: دوستی داشتم که کاتب دیوان بنی‌امیه بود. به من گفت: از امام صادق علیه السلام برای من وقت بگیر. [برای او از امام] وقت گرفتم. وقتی رفتیم، سلام کرد و خدمت امام نشست. سپس گفت: فدایتان شوم! من در دیوان این قوم، کاتب هستم و مال فراوانی از دنیایشان نصیبم شده و نپرسیده‌ام که آن اموال از کجا آمده است. امام فرمودند: اگر بنی‌امیه کسانی را که برایشان بنویسند و خراج جمع کنند یا بجنگند و در جماعتشان حاضر باشند، نداشتند، حق ما را غصب نمی‌کردند و اگر مردم آنان را با آنچه در دستشان است، رها کنند، چیزی جز آنچه را در دستشان است، نمی‌یابند.

جوان عرض کرد: فدایتان شوم! آیا راه خروجی [از این مهلکه] برای من هست؟ امام فرمودند: اگر بگویم، عمل می‌کنی؟ گفت: آری. امام فرمودند: از همه آنچه در دیوان آنان به دست آوردی، خارج شو. اگر صاحب مالی را می‌شناسی، به او بازگردان و اگر نمی‌شناسی، صدقه بده^۱ و من برای تو نزد خدا بهشت را ضمانت می‌کنم. راوی می‌گوید: جوان، مدتی سرش را پایین انداخت و بعد سرش را بلند کرد و گفت: انجام می‌دهم.

علی بن ابی حمزه می‌گوید: جوان با ما به کوفه برگشت و از هر چه داشت، خارج شد و حتی در مورد لباسی که در بدن داشت، طبق دستور امام رفتار کرد. ما دوستان چیزی روی هم گذاشتیم و لباسی برایش خریدیم و پولی برای مخارج زندگی به او دادیم. چند ماهی بیشتر طول نکشید که مریض شد. به عیادتش رفتیم که در حال جان دادن بود. چشمش را باز کرد و به من گفت: علی! به خدا قسم! دوست شما (امام)، به وعده‌شان وفا کردند. پس از مدتی، مُرد و ما او را به خاک سپردیم.

۱. در این باره، شایسته است به موضوع «ردّ مظالم عباد» که در احکام شرعی آمده، اشاره شود.

وقتی در مدینه خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، تا نظر حضرت به من افتاد، فرمودند: ای علی! به خدا قسم! به وعده‌مان نسبت به دوستت عمل کردیم. گفتم: راست گفتید ای پسر رسول خدا! خود او نیز هنگام مرگ به من چنین گفت.^۱

۴. وصیت

از دیگر راه‌های جبران حق‌الناس، وصیت کردن است. اهمیت حق‌الناس، نه تنها در سیره و سخن امام حسین علیه السلام در کربلا کاملاً مشهود است، بلکه در وصیت و سخن یاران آن حضرت نیز وجود دارد. حضرت مسلم، پس از نبرد شجاعانه دستگیر شد و زمانی که شهادت خود را قطعی دانست، از عبیدالله بن زیاد خواست تا عمر بن سعد را به جهت خویشاوندی، وصی خود قرار دهد؛ اما عمر بن سعد، نپذیرفت. ابن زیاد، عمر بن سعد را خطاب کرد و گفت: «وصیت عموزاده‌ات را بپذیر.» عمر بن سعد برخاست و نزد مسلم رفت. مسلم گفت: اول آنکه هفتصد درهم به شخصی در کوفه بدهکار هستم، زره مرا بفروش و آن را ادا کن. دوم اینکه جنازه‌ام را از ابن زیاد تحویل بگیر و به خاک بسپار و سوم نیز پیکی را به سوی حسین علیه السلام بفرست و او را از پیمان‌شکنی مردم کوفه باخبر ساز تا به کوفه نیاید.^۲

- پرداخت هفده ریال:

حجت الاسلام والمسلمین آقای انصاریان می‌گوید: دوستی داشتم دارای کمالات ایمانی و فوق‌العاده عاشق حضرت سیدالشهداء علیه السلام که نزدیک عید

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۰۶.

غدیر از دنیا رفت. خودم متکفل کفن و دفن و غسل او بودم. با وصیت جالبی که داشت، تصور می‌کردم در عالم برزخ از هر جهت آزاد است؛ ولی چند روز پس از مرگش، به خواب یکی از عاشقان حق که وصی او نیز بود، آمد و به او گفت: گوشه یکی از دفاتر مغازه‌ام، هفده ریال مربوط به حساب فلان شخص است که از قلم افتاده، آن را بپردازید. دفاتر را بررسی کردند، همان‌طور بود که گفته بود؛ هفده ریال را به صاحبش برگرداندند و او را از رنج آن راحت کردند.^۱